



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

نقش تاریخی

امام حسین علیه السلام

در احیای اسلام ناب

سیدرضا موسوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش تاریخی امام حسین (علیه السلام) در احیای اسلام ناب

نویسنده:

رضا موسوی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	نقش تاریخی امام حسین علیه السلام در احیای اسلام ناب
۶	مشخصات کتاب
۶	چکیده
۷	پیش درآمد
۱۰	ضرورت امام شناسی در عصر حاضر
۱۳	ولایت تکوینی امام معصوم
۱۵	امامت آخرین سیر تکاملی بشر
۱۸	استمرار حرکت انبیا در پرتو امامت
۱۹	غدیر روز اکمال دین و خاستگاه امامت
۲۲	امامان شیعه یا پاسداران دین
۲۳	ضرورت زمان و پیشوایان ما
۲۶	آگاهی امام حسین از شهادت و استقبال از آن
۳۰	درسی که حسین به مسلمانان آموخت
۳۳	پاورقی
۳۶	درباره مرکز

نویسنده: سید رضا موسوی

ناشر: سید رضا موسوی

چکیده

و جعلناهم ائمه یهدون بامرنا و أوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلوه و ایتاء الزکوه و کانوا لنا عابدین. [۱]. ما، ایشان (حضرت ابراهیم و فرزندان شایسته او) را امامانی قرار دادیم که به فرمان ما رهنمایی می کنند و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و پرداختن زکات را به ایشان وحی نمودیم و ایشان، تنها ما را پرستش می کردند. در این مقاله چنانکه از عنوانش پیداست، هدف روشن نمودن مفهوم پیشوایی و پاسداری امام معصوم از دیدگاه اسلام است. در این مقال در بخش نخست کوشش شده است به اهمیت و عظمت عاشورای حسینی در کنار دو رویداد بعثت و غدیر در تاریخ اسلام و تشیع، و موضعگیری خودکامگان ستمگر و استعمارگران چپاولگر در طول تاریخ در مسخ و تحریف ماهیت نهضت مقدس عاشورا و پیام عاشوراییان اشاره شود و با توجه به برداشتهای غلطی که از سوی عوامزدگان و روشنفکران غربزده در معرفی امام و جایگاه او در امت اسلامی ارائه شده ضرورت امام شناسی درست برای نسل معاصر گوشزد گردد. با توجه به آیات و روایات رسیده به تبیین مفهوم صحیح امامت و ولایت و رابطه آن با نبوت و رسالت و مسئولیتهای امام در جامعه اسلامی در فرهنگ پویایی شیعه و اسلام اصیل پرداخته، و تأکید شد که امامت، اصل الاصول است و امام علاوه بر مقام معنوی ولایت تکوینی و فرمانروایی در طبیعت به اذن خدا، مسئولیت راهنمایی، رهبری و رهنمونی امت را به عهده دارد. امام به عنوان یک انسان تکامل یافته و برگزیده خدا ادامه دهنده راه انبیای عظام الهی

است. امام در عمل به عنوان علت مبقیه اسلام در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله امامت، وظیفه سنگین حفظ امت و پاسداری و احیای شریعت را در هر زمان، متناسب با مقتضیات و شرایط آن بخوبی انجام داده است. اختلاف سیره امامان و نیز شهرت هر یک به خصوصیت ویژه را می توان از تفاوت اوضاع سیاسی - فرهنگی و جو حاکم بر دوران این بزرگان شناخت و باید آن را در اصل «رعایت ضرورت و مقتضیات زمان» جستجو نمود. در بخش پایانی به بررسی حکم فقهی استقبال امام حسین (ع) از مرگ، و رفع شبهات وارده در این باب با تأکید به آگاهی امام از سرانجام کار، که رسیدن به فوز شهادت و احیای اسلام و ارزشهای اسلامی بود، پرداخته شد و سرانجام درسی که آن سالار شهیدان به همه دینداران داده بود یادآوری گردید که باید همه مصالح مادی و منافع شخصی را به دلیل ارزش والای دین در زندگی انسان، فدای دین نمود و این اشعار را زنده کرد که: «همه چیز برای دین نه دین فدای همه چیز».

پیش در آمد

خدای را سپاس که این توفیق را با ما رفیق کرد تا کام ما را با تربت پاک نخستین پاسدار اسلام گرفتند و بذر شهد عشق حسینی را در زوایای جان و اندیشه ناتوان ما پاشیده اند و در اولین روز ولادت، حس سپاس و ستایش ما را در برابر عظمت ابر مرد تاریخ بشریت حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) برانگیخته، محبت او و یارانش را در دل ما زنده نگاه داشتند. از حضرتش خاضعانه تمنا داریم که این احساسات پاک را نسبت به سرور و سالار شهیدان و جوانان

بهشت تا آخرین لحظات زندگی در امت شهیدپرور ما حفظ بفرماید و یاد و خاطره حسین (ع) و عاشورا را همواره در ذهن و زبان و قلم ما زنده و پویا نگاه دارد؛ چرا که حسین (ع) اگر بزرگترین شخصیت اسلامی نباشد قطعاً شخصیت بزرگ اسلام هست و اگر چه عاشورای حسینی بزرگترین حادثه تاریخی نباشد، بی تردید حادثه بزرگ تاریخ اسلام و تشیع خواهد بود. عاشورا در تاریخ اسلام، رویداد عظیمی است که رسالت احیای همه آنچه را که انبیای الهی بویژه خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله (ص) برای بشریت به ارمغان آورده اند و در راه تبلیغ و نشر و تحقق آنها رنج هزاران زخم زبان و شمشیر را بجان خریدند، بر عهده دارد. اگر بعثت، روز بلوغ و تکامل عقل بشر، و غدیر، روز بلوغ حق و تکمیل دین باشد؛ عاشورا روز بلوغ حماسه جاوید اسلام و بحق روز درخشش خون و خورشید امامت است. حماسه تابناکی که همواره بزرگترین ضربه کاری را بر پیکر خودکامگان ستمگر و استعمارگران چپاولگر، این دشمنان دیرین اسلام و انسان فرود آورد و به همین دلیل از گذشته های دور یعنی فردای همان روز تا امروز این حادثه آماج تیرهای زهر آگین تحریف تاریخی قرار گرفته است. این مارهای زخم خورده با خارجی معرفی کردن قهرمان کربلا و سوء استفاده از اعتقاد به قضا و قدر الهی، به مسخ ماهیت پیام و آرمان عاشورا همت گماشته اند. به دلیل اهمیت و حساسیت و عظمت این حادثه غم انگیز بود که پیامبران الهی از حضرت آدم صلی الله تا خاتم النبیین (ص) پیش از پیشامد این فاجعه بزرگ بشری و تحقق عاشورا در عینیت تاریخ در

فرصتها و مناسبتهای مقتضی به پیشگویی و بیان عظمت عاشورا و شخصیت والای حضرت امام حسین (ع) و موقعیت امام سوم شیعیان در خاندان پیامبر، و شکوه مقام او و همراهانش در کربلا- و نیز دوستان و پیروانش در پیشگاه خدا و پیامبر (ص) پرداخته و پیشوایان معصوم ما نیز قبل و بعد از آن حادثه به سوگ نشسته اند. [۲]. خود امام حسین (ع) هم در ضمن وصیتنامه تاریخی سیاسی خویش به برادرش محمد حنفیه در مدینه و سخنانها آموزنده خود از مدینه تا کربلا هدفها و برنامه ی الهی خویش را در این قیام مقدس بازگو، و تا اندازه ای از پیش این توطئه شوم را خنثی کرد. پاسداران فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت در زمینه معرفی چهره واقعی عاشورا تلاشهای فراوانی کرده، و آثار گرانسنگی درباره تحلیل نهضت حسینی از خود به یادگار گذاشته اند؛ اما در وضعیت کنونی، که بار دیگر به برکت راهپیماییهای عاشورا و اربعین حسینی و دستجات عزاداری و مجالس حسینی انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسیده و دشمن در جنگ نظامی شکست خورد، اکنون هجوم و به تعبیر مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی، شیخون فرهنگی را آغاز کرده است؛ لذا بر همه آگاهان و نویسندگان اسلامی، که بار مسئولیت حراست از فرهنگ پویای تشیع و میراث گرانبهای اسلام رو به رشد پایا و سازنده را به دوش می کشند، فرض است که به پیروی از پیشوایان شیعه در حفظ و احیای نهضت مقدس عاشورا و پیام و آرمان اصیل حسین (ع) و یاران باوفایش در کربلا بکوشند؛ چنانکه بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی قدس سره می فرمود:

«کربلا را زنده نگه دارید و نام مبارک حضرت سید الشهداء را زنده نگه دارید که با زنده بودن او اسلام زنده نگهداشته می شود. عاشورا را زنده نگه دارید که با زنده نگه داشتن عاشورا کشور شما آسیب نخواهد دید.» [۳].

ضرورت امام شناسی در عصر حاضر

امام شناسی همچون خداشناسی، پیامبرشناسی و معادشناسی زیر بنای اندیشه انسان مسلمان را تشکیل می دهد؛ چنانکه در حدیث متواتر نبوی آمده: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است. [۴]. در منابع برادران اهل سنت نیز آمده: من مات بغير امام مات میتة جاهلیة. [۵]. هر کس بدون پیشوا بمیرد مانند آن است که در جاهلیت مرده است. مرگ جاهلیت یعنی مرگ پیش از اسلام، که مردم عربستان بت پرست و مشرک بودند و در آتش جهل و نادانی می سوختند. امام صادق (ع) بنیانگذار مذهب حق جعفری در ضمن حدیثی خطاب به محمد بن مسلم، انسانی را که امام زمانش را نشناخته به گوسپندی که شبان و گله ی خود را گم کرده باشد تشبیه می کند و می فرماید: و الله یا محمد من أصبح من هذه الامة لا امام له من الله جل و عز ظاهرا عادلا أصبح ضالا تائها و ان مات علی هذه الحالة مات میتة کفر و نفاق. [۶]. ای محمد به خدا سوگند هر کس از امت اسلامی صبح کند در حالی که امام و رهبر ظاهر و عادل از جانب خدای پیروز و با شکوه نداشته باشد در گمراهی و سرگردانی صبح کرده، و اگر با چنین حالی بمیرد مرگش با کفر و نفاق است؛ یعنی اسلام

منهای امام ارزشی ندارد! اسف انگیز این است که با این همه تاکید پیشوایان معصوم بر اهمیت و ضرورت شناخت امام در جوامع اسلامی، امام شناسی از آغاز ظهور اسلام تا کنون در بین دو گرایش تند و کند نادرست در هاله ای از ابهام باقی مانده است. ۱- گرایش افراطی ناشی از عوامزدگی متحجران و غلات متعصب، که امام را فوق انسان و وجود مقدس نورانی غیر قابل شناخت و همسان خدا می پندارند البته آنچه در تعبیرات شاعرانه امام را تا مرز خدایی پیش می برند حسابش از این مقوله جداست مثلاً- به امام شافعی نسبت می دهند که درباره امام علی (ع) اینچنین سروده است: کفی فی فضل مولانا علی وقوع الشک فیه أنه اللهو مات الشافعی و لیس یدری علی ربه ام ربه الله [۷]. شاعر فارسی زبان معاصر ما مرحوم شهریار نیز تقریباً همین مضمون را به نظم کشیده و می سراید: علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که بما سوی فکندی همه سایه ی هما رانه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را ۲- گرایش تفریطی متأثر از روشنفکر زدگی و روحیه لاابالیگری که امام معصوم را همانند رهبران عادی، و مسئولیت امامت امت را به زمامداری و مدیریت سیاسی جامعه محدود دانسته، حتی معجزات و کرامات این اولیای خدا را توجیه و تفسیر مادی و طبیعی می کنند. خوشبختانه خود امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) در سخن حکمت آمیز خود هر دو گروه را به دلیل نادرستی پندارشان محکوم به نابودی می شمارد و می فرماید: یهلک فی رجلان: محب مفرط و باهت مفتر. [۸]. دو کس در عقیده به من هلاک می گردند: دوستدار گرافکار تندرو و

دروغپرداز دروغگو! متأسفانه در دوره کنونی به دلیل دل‌باختگی نسل معاصر به زرق و برق مادی غرب و ضعف آگاهی مذهبی جوانان و تعصب جاهلانه برخی خودباختگان، اینگونه برداشتهای غلط در مفاهیم دینی بیش از پیش به چشم می‌خورد هم در معارف عقیدتی نظیر مسأله وحی و نبوت، امامت و شفاعت، قضا و قدر، انتظار، دعا و بهشت و جهنم و هم در مسائل اخلاقی مانند: زهد، صبر، قناعت، توکل، تقیه و عزاداری و... که به عنوان یک جریان خطرناک در اظهارات و نوشتارهای برخی از معاصران رخ می‌نماید که قابل تأمل است و اکنون مجال بیان تفصیلی آن در این مقال نیست. اینان ناآگاهانه و یا مغرضانه چهره امام حسین (ع) و زین العابدین علیهما السلام را در جو عوامزدگی، عناصری ناتوان و بیمار و اشکبار و حرکت مکتبی آموزنده و سازنده عاشورا و پیام آوران عاشورا را تنها وسیله گریه نظیر یک کپسول اشک آور و سبب بخشش گناهان می‌شناسند و گریه آورتر اینکه در تحلیل روشنگر مآبانه نیز این اولیای خدا و حاملان وحی و الهام الهی و پاسداران فداکار دین را یک قهرمان معمولی و مجاهد انقلابی، و نهضت مقدس عاشورا را یک انفجار کینه‌های دیرینه، و جنگ قدرت بین دو قبیله و حزب معرفی می‌نمایند؛ در حالی که با مراجعه‌ای سریع به منابع غنی فرهنگ اسلامی و مروری کوتاه در آیات و روایات اهل بیت عصمت و طهارت معلوم می‌شود که امام، انسان کامل و مافوق است که همه حرکات و سکنات او منطبق با واقعیات و حقایق اسلامی و مصالح اسلام و مسلمین بوده، هیچگاه به فکر مصالح و منافع شخصی و پیروی

از هوا و هوس نیست. از اینرو در بررسی شخصیت و رویدادهای زندگی این بندگان صالح و شایسته خدا، و برگزیدگان الهی، باید به همه ابعاد وجودی اعم از بعد مادی و جسمانی، معنوی، روحانی، فرهنگی تربیتی و اجتماعی و سیاسی و مسئولیتهای الهی و مردمی و مقامات معنوی ایشان توجه کرد و در شناساندن امامان معصوم باید عینک عوامزدگی و روشنفکری را کنار گذاشت و با دیده بصیرت و چشم عقل و چراغ هدایت عترت پیامبر و خورشید فرزوان قرآن مقام واقعی امام را باید دید و یافت که امام از جنبه ی جسمانی همانند دیگران محدود به زمان و مکان و شرایط محیط انسانی و آموزشی معین است. اما از جنبه ی روحانی انسان تکامل یافته ای است که در سایه عبادت و بندگی خدا، و امدادهای غیبی، همه ی استعدادهای بالقوه ی انسانی در او به فعلیت رسیده و شکوفا شده و در پرتو علم لدنی و ایمان قوی به مبدأ و معاد و توفیق و تایید الهی به ملکه عصمت دست یافته و در ظل عنایات باری تعالی مرزهای زمان و مکان مادی را در هم شکسته و به مقام والای امامت و خلیفه الهی رسیده است!

ولایت تکوینی امام معصوم

در بینش شیعه، امامت یکی از اصول پنجگانه اعتقادی و ضروری مذهب است که مقام ولایت ائمه (ع) رکن اسای آن را تشکیل می دهد و انکار آن باعث عدم پذیرش اعمال عبادی در پیشگاه خدا می شود که فرمودند: من لم یتولنا لم یرفع الله له عملا هر کس ولایت ما را قبول نداشته باشد، خداوند عملی را از او نمی پذیرد و بالا نمی برد. [۹]. در فرهنگ اسلام، ولایت مراتب و ابعادی

دارد: ۱- بعد عاطفی یا به تعبیر شهید مطهری ولاء محبت که دوستی اهل بیت در قرآن کریم به عنوان مزد رسالت اعلام شده است. قل لا أسئلكم عليه اجرا الا الموده فی القربی (شوری آیه ۲۳). ۲- بعد عملی یا ولایت دینی که علامه طباطبایی در کتاب شیعه در اسلام از آن به مرجعیت علمی - فرهنگی تعبیر می کند که در قرآن آمده است: فأستلوا اهل الذکران کنتم لا تعلمون (نحل آیه ۴۳ و انبیاء آیه ۷) و ما یعلم تاویلہ الا اللہ و الراسخون فی العلم (آل عمران آیه ۷) که در عصر غیبت امام زمان (عج) فقیه اعلم جامع الشرائط به نیابت از امام (ع)، عهده دار ولایت تشریحی است. ۳- بعد اجتماعی و سیاسی که شهید مطهری از آن به ولایت زعامت تعبیر می کند و در قرآن، اطاعت از ولی امر همانند فرمانبرداری از خدا و رسول معرفی شده است: أطيعوا اللہ و أطيعوا الرسول و اولی الامر منکم. (نساء آیه ۵۹) که این ولایت را در زمان غیبت، ولی فقیه عادل به عهده دارد. ۴- بعد ارشادی و تربیتی که امام به عنوان الگو و میزان اعمال و انسان کامل و به تعبیر عرفا ولایت باطنی است که خداوند در ترسیم چهره ی عباد الرحمن یعنی بندگان شایسته ی خدا می فرماید: و الذین یقولون ربنا... و اجعلنا للمتقین اماما (فرقان ۷۵). ۵- بعد معنوی که به آن ولایت تصرف و ولایت تکوینی می گویند و برترین ابعاد ولایت ائمه است که در قرآن کریم آمده است: و جعلناهم ائمه یهدون بامرنا لما صبروا و کانوا بآیاتنا یوقنون. (سجده آیه ۲۴) ایشان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت

می کنند چون پایداری کردند و اهل یقین بودند. در پرتو مقام الهی است که امام می تواند در عالم تکوین و طبیعت به اذن خدا فرمانروایی کند و همه قوانین حاکم و اسباب عالم را در تسخیر و تصرف خویش درآورده و با اراده و مشیت الهی از او کار خدایی سر می زند، و یارای آن را دارد که با اعجاز و کرامت در زمان حیات یا ممات ظاهری درد بی درمان را شفا دهد و آتش را سرد کند و نیروی جاذبه زمین را از کشش بازدارد و هسته خرما را به سرعت بارور، و نقش شیر روی پرده را زنده سازد. در ظل وجود با برکت او، حیات و افاضه فیوضات الهی به خلق ادامه یابد که فرمودند: *لو لا الحجه لساخت الارض باهلها* امیرالمؤمنین (ع) به شاگرد برجسته اش کمیل می فرماید: *اللهم بلی لا تخلوا الارض من قائم لله بحجه اما ظاهرا مشهورا و اما خائفا مغمورا لئلا تبطل حجج الله و بیناته...* [۱۰] بار الها آری زمین هیچگاه از حجت خدا (انسان کامل) خالی نیست. یا آشکار است و مشهور، یا ترسان و در تیرگیهای ظلم و ستم پنهان تا حجتها و دلائل روشن از بین نرود... و این همان معناست که عارفان اهل معرفت از آن به قطب عالم امکان و ولی کامل تعبیر می کنند و روح کلی انسانیت است که بر همه روحها محیط است و وجود او به عنوان قلب هستی یک ضرورت است و به گفته مولوی: پس به هر دوری ولیی قائم است تا قیامت آزمایش دایم است.

امامت آخرین سیر تکاملی بشر

برادران اهل سنت ما با توجه به معنای لغوی امام که همان پیشوایی و

مقتدا بودن است و کاربرد واژه امام و جمع آن ائمه در قرآن کریم به همین معنا نظیر آیات: یوم ندعوا کل اناس بامامهم (اسراء ۷۱) فقاتلوا ائمه الکفر (توبه ۱۲) و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین (قصص ۷۳) و جعلناهم ائمه یدعون الی النار (قصص ۴۱) بدون توجه به آیات دیگر، مقام امامت امت را یک ضرورت اجتماعی و رهبری سیاسی و از احکام فرعی عملی دین می‌شمارند و تصدی این مقام مردمی را حق هر عالم عادل می‌دانند! و بر این باورند که به دلیل پیشگیری از اختلال نظام جامعه و حفظ یکپارچگی امت، اطاعت از هر کس که زمام امور جامعه اسلامی را در دست گرفت به عنوان ولی امر بر عموم مردم واجب است و به همین دلیل برای امام شرطی جز اسلام و عدالت و مدیریت و تدبیر نمی‌شناسند؛ در حالی که در فرهنگ شیعه، اصل امامت یکی از اصول اعتقادی و یک منصب الهی است که با معرفی پیامبر (ص) و امام معصوم (ص) زمام امور دینی و دنیایی مردم را در دست می‌گیرد، و مسئولیت راهنمایی و مرجعیت دینی، و رهبری و زعامت سیاسی، و رهنمونی و امامت مردم، و نگهداری و حراست دین، و سرپرستی و ولایت جهان هستی را به فرمان خدا و به جانشینی از پیامبر (ص) به عهده دارد؛ چنانکه خواجه نصیر الدین طوسی در تعریف اسد و اخصر خود می‌نویسد: «الامامه ریاسه عامه فی امور الدین و الدنیا» امامت، ریاست همه جانبه بر امور دین و دنیا است. از این رهگذر به اعتقاد شیعه، مقام امامت از جهت ارزشی، مقامی رفیعتر از منصب نبوت و

رسالت و آخرین مرحله سیر تکاملی انسان اسلام به شمار می آید، چه اینکه در آیه ی امامت می خوانیم: و اذا بتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن، قال انی جاعلک للناس اماما، قال و من ذریتی؟ قال لا ینال عهدی الظالمین (بقره ۱۲۴) ای پیامبر به یاد آور هنگامی را که پروردگار، ابراهیم (ع) را به آزمونها آزمود و بخوبی از عهده ی امتحانات برآمد، خداوند فرمود تو را برای مردم امام قرار دادم. او گفت: از نوادگانم نیز به امامت می رسند؟ خداوند فرمود عهد و مقام من به ستم پیشگان نمی رسد! چنانکه می دانیم حضرت ابراهیم قهرمان توحید نیای پیامبر ما و از انبیای اولوالعزم و شخصیت ممتاز دینی است که نام او ۶۹ بار در ۲۵ سوره قرآن کریم به عظمت و نیکی یاد شده است و به بیان این آیه خداوند حکیم پس از سربلندی آن حضرت از بوته ی آزمایشهای سخت جان و مال و فرزند و اظهار لیاقت و شایستگی پس از سالیان درازی که دارای مقام عبودیت، نبوت، رسالت، و خلت در پیشگاه خدا بود به مقام والای امامت مفتخر می شود. چنانکه امام صادق (ع) می فرماید، ان اله اتخذ ابراهیم عبدا قبل ان یتخذه نبیا و ان الله اتخذه نبیا قبل ان یتخذه رسولا و ان الله اتخذه رسولا قبل ان یتخذه خلیلا و ان الله اتخذه خلیلا قبل ان یتخذه اماما فلما جمع الاشیاء قال: انی جاعلک للناس اماما. [۱۱]. در پایان آیه، خداوند اعلام می فرماید که امامت عهد من است و به گناهکاران واگذار نمی شود و تنها نوادگان معصوم ابراهیم علی نبینا و آلہ و علیہ السلام شایسته این مقام الهی خواهند بود. این مقام همان منصب الهی

رهبری همه جانبه ی مادی، معنوی، جسمی، روحی ظاهری و باطنی انسان پاکباخته و امام است که در علم کلام شیعه با قاعده لطف، ضرورت وجود او در هر زمان اثبات و انتصابی بودن او از ناحیه ی خدا و عصمت و افضل بودن و برتری او در همه کمالات بشری و داشتن قدرت اعجاز از شرایط اصلی احراز این مقام است که با حضور و ظهور امام معصوم هیچکس بدون اجازه او حق حاکمیت بر مردم را ندارد.

استمرار حرکت انبیا در پرتو امامت

در باور مذهب پویای تشیع امامت ادامه ی راه انبیاء و مکمل دین و شریعت و متمم اصل نبوت به حساب می آید که مسئولیت بیان احکام دین و تبلیغ وحی و قضاوت و حاکمیت بر سرنوشت مردم و اجرای احکام و حدود الهی را به دوش می کشد و تفاوت نبی و رسول و امام این است که پیامبران در مقام نبوت تنها پیام حق را از راه وحی دریافت و از آن خبر می دهند و در مقام رسالت با بشارت و انداز همانند واعظ و مبلغ دلسوزی پیام الهی را تنها به مردم ابلاغ می کنند؛ اما در مقام امامت از راه تشکیل حکومت عدل یا بدون آن پیامها و برنامه های الهی را به مرحله اجرا درمی آورد. در واقع منصب امامت جایگاه عینیت و تحقق بخشیدن همه ی برنامه های سعادت آفرین آفریدگار جهان در جوامع انسانی است. امام تنها وظیفه ی هدایت تشریحی به معنای ارائه طریق و رهنمایی که در نبوت و رسالت وجود دارد به عهده ندارد، بلکه به حکم قاعده لطف، بار مسئولیت ایصال به مطلوب و رساندن نفوس آماده و مستعد را به سر منزل مقصود با هدایت به

امر و ولایت تکوینی به عنوان راهبر و رهنمودن به دوش می کشد. البته پیامبران اولوالعزم همانند پیامبر ما هم نبی نبودند و هم رسول، هم امام، و شماری از پیامبران الهی امام نبودند چنانکه ائمه ی ما امامند و نبی نیستند. شیعیان، پیامبر اسلام را خاتم النبیین و پایان بخش سلسله ی نبوت و رسالت الهی و نزول وحی می دانند. ولی به حکم عقل، خاتمیت را ختم رهبری و راهنمایی الهی تلقی نمی کنند، زیرا فراهم نمودن شرایط و امکانات را برای رسیدن همه انسانها در همه زمانها به کمال لایق خود و مطلوب خدا عقلا و شرعا بر خداوند حکیم علیم خبیر لازم می شمارند. اذ مقتضی الحکمه و العنايه ایصال کل ممکن لغایه حضرت رضا (ع) در معرفی امام می فرماید: ان الامامه زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عز المؤمنین ان الامامه اس الاسلام النامی و فرعه السامی بالامام تقام الصلوه و الزکاه و الصیام و الحج و الجهاد و توفیر الفیء و الصدقات و امضاء الحدود و الاحکام و منع الثغور و الاطراف. [۱۲]. امامت زمام دین (تعیین کننده مسیر) و باعث نظم مسلمین و اصلاح زندگی دنیا و موجب عزت مؤمنان است. امامت بنیان اسلام رو به رشد و پرورش دهنده ی انسانها و فرع عالی آن است و با امامت نماز، روزه، زکات، حج و جهاد پایدار و تمام می شود. بواسطه امام مالیاتهای اسلامی فراوان گردد، به برکت امام حدود و مقررات دینی اجرا و از مرزها و نواحی کشور پاسداری می شود.

غدیر روز اکمال دین و خاستگاه امامت

حساسترین فراز تاریخ اسلام یعنی حماسه ی غدیر، روز معرفی امام نخستین شیعیان حضرت علی (ع) به دست مبارک پیامبر اسلام به جانشینی خود در

قرآن کریم چنین توصیف شده است: الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوه و اخشون. الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا... امروز (با تعیین امام و جانشین) کافران از نابودی دین شما نومید شدند، پس از آنها نترسید و از مخالفت راه و هدایتگری من پروا کنید. امروز دین شما را کامل نمودم و نعمتم را بر شما به پایان رساندم و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم. (سوره ی مائده آیه ی سوم). گرچه در بین مفسران قرآن اختلاف وجود دارد که این روز سرنوشت ساز چه روزی است. آیا بعثت یا روز فتح مکه است و یا عید غدیر و جشن ولایت که پیامبر (ص) در حجه الوداع و در آن هوای گرم و وضعیت اقلیمی سخت، دست پرورده و پسر عموی فداکار و نخستین مرد مسلمان، امیرالمؤمنین را به عنوان مولا و سرپرست امت اسلامی منصوب فرمود (مشروح این حادثه را باید در کتاب گرانسنگ الغدیر اثر سترگ علامه امینی مطالعه کرد). جالب است که در تفسیر کبیر فخر رازی و روح المعانی آلوسی و المنار رشید رضا، که از تفاسیر معروف اهل سنت هستند، ضمن تفسیر آیه ی اکمال آورده اند که پس از نزول این آیه حضرت محمد (ص) بیش از ۸۱ روز عمر نکرد و با توجه به اینکه وفات پیامبر (ص) به نقل مورخان و محدثان اهل سنت روز دوازدهم ربیع المولود بود و دو ماه از مجموع سه ماه ذیحجه و محرم و صفر هم ۲۹ روز محاسبه شود که در نجوم معمول است، آن روز هیجدهم ذیحجه و عید غدیر خواهد بود. [۱۳]. خداوند

حکیم در این کلام نورانی جایگاه امامت را در قرآن با چهار زاویه زیبا بیان می کند که عبارتند از: یاس کفار ضد دین، اکمال دین، اتمام نعمت و رضایت به اسلام امت. زیرا اسلام تا روز غدیر به منزله نوزاد تام الخلقه ای بود که باید در گذر زمان و در سایه مراقبت و حفاظت مریبان دلسوز به رشد و بالندگی خود ادامه دهد و به کمال لایق و مطلوب خود برسد تا به عنوان دینی کامل و جامع و جهانی و جاودانی پایدار و پویا بتواند همگام با نیاز و مقتضیات زمان، مردم را اداره کند. اسلام تا آن روز اگر چه به عنوان یک قانون اساسی آسمانی با حضور پیامبر (ص) کامل بود که این خطر فرصت طلبان هواپرست و تحریف و تضعیف آن به دست کفار و معاندان جدی بود که این خطر با ابلاغ امامت رفع شد و با تحقق آخرین فرمان الهی به دست آخرین پیامبر (ص) که فرموده بود: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالتہ. در شصت و هفتمین آیه آخرین سوره منزله به اتفاق و یقین یعنی مائده، هدف و غرض از فرو فرستادن کتابهای آسمانی و پیامبران، که همان هدایت و پیشگیری از انحرافات بشر و اجرای عدالت و قسط به مردم بود، تامین شد؛ زیرا به گفته راغب اصفهانی: کمال الشیء حصول ما فیہ الغرض منه. [۱۴]. کمال هر چیز دستیابی به هدف مطلوب و رسیدن به مقصود نهایی آن چیز است. دین کامل نظیر ساختمان یا نماز، وقتی کامل است که دربردارنده ی همه اجزا و عناصری باشد که خواص

و آثار مطلوب و مورد نیاز را تامین کند اسلام منهای امام همانند بنا و نماز ناتمام و ناقص است که با معرفی امام به دست مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام، دین اسلام به مرز کمال و تمام رسید و بنای رفیع اسلام رنگ ابدیت یافت و مرضی الهی قرار گرفت که خداوند در آغاز همان را می خواست و تفاوت اکمال و اتمام با یکدیگر اختلاف کیفی و کمی است. [۱۵].

امامان شیعه یا پاسداران دین

امام به عنوان جانشین معصوم پیامبر (ص)، الگو و نمونه مجسم اسلام واقعی و برترین رهبری است که در اندیشه و عمل هیچگاه دچار اشتباه و خطا نمی گردد؛ در سایه ی الهامات غیبی و علم لدنی سرشار به عنوان انسان کامل و کارشناس اسلام، افزون بر تفسیر قرآن و تبیین سنت پیامبر (ص) با بیان و اجرای احکام به پاسداری از دین الهی و استمرار راه انبیا همت می گمارد. آشکارترین ابعاد وجودی امام پس از مقام باطنی، ولایت کلیه پاسداری از دین و ارزشهای اسلامی است، و بحق علت مبقیه اسلام را در طول تاریخ، امامت تشکیل می دهد. چه در طول تاریخ هزار و چهار صد ساله امامت، متاسفانه امامان شیعه به دلیل ناآگاهی مردم و دنیاپرستی برخی از مسلمانان و سوء استفاده فرصت طلبان و بیش از همه احساس مسئولیت آنان در حفظ دین و مسلمانان، تنها دو امام همام حضرت علی و امام مجتبی علیهما السلام حدود ۵ سال و ۶ ماه زمام حکومت ظاهری و رهبری سیاسی را در دست داشته اند؛ ولی همه امامان با وجود برکنار بودن از مرکز قدرت همواره به عنوان قطب و محور سیاسی مذهبی نقش پاسداری، تعلیمی

و ارشادی خود را در جامعه‌ی اسلامی به خوبی عهده دار بوده اند و همیشه بیت، محبس و تبعیدگاه و بازداشتگاه این بزرگان مرکز آگاهیهای سیاسی، و مبدأ نهضت‌های اصلاحی، و پایگاه پیشگیری از انحراف خلفا و تحریف حقایق دینی و دفاع از اسلام معروف بوده است. موضعگیری سیاسی امامان معصوم در برابر قدرتهای نامشروع و زمامداران خودسر اموی و عباسی جالبترین ابعاد زندگی ایشان را تشکیل می دهد؛ چه اینکه از نظر عقیدتی امام همانند سایر افراد، بنده خدا و مکلف به مقررات شرعی و تکالیف دینی است که با توجه به مقام امامت و پیشوایی امت، وظایف سنگین خود را با موازین عادی باید انجام دهد و بیشترین تلاش را در راه احیای شریعت و حراست از دین به کار بندد و همانند دیگران، خیر و شر و نفع و ضرر و مصالح و مفاسد امور را با علم عادی می سنجیدند و مو به مو احکام و اخلاق اسلامی را پیاده و اجرا می کردند و به دلیل همین دیدگاه همه گفتار و رفتارها و سکوت و تأیید دیگران به عنوان سنت ولوی و سند بیانی و عملی و تقریری، برای شیعه حجت و اعتبار شرعی دارد و اطاعت بی چون و چرا و پیروی از فرمان امام بر همگان واجب و مخالفت با او، گناه کبیره و نابخشودنی است؛ چنانکه امام هشتم در بخشی از حدیث مفصل درباره امامت می فرماید: الامام امین الله فی ارضه و حجه علی عباده و خلیفته فی بلاده الداعی الی الله و الذاب عن حرم الله. [۱۶].

ضرورت زمان و پیشوایان ما

پیشوایان معصوم با توجه به وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه و مقتضیات

زمان خود مسئولیت سنگین امامت مردم و حراست و پاسداری از دین را در هر عصری به خوبی انجام داده اند. منشأ اصلی تفاوت سیره امامان معصوم را باید در محیط خاص زندگی اجتماعی و فرهنگی و جو حاکم بر سرنوشت جامعه معاصر آن امامان جستجو کرد که تا چه حد و در چه جهت و بعدی برای رسیدن به هدف، که همان حفظ اسلام و مسلمین بود، به امام (ع)، امکان عمل به تکلیف و فعالیت می داد. زمانی مقتضی صلح و سکوت و دورانی مقتضی جنگ و جهاد و دوره ای فرصت تلاش آموزشی و هنگامی دیگر ایفای نقش ارشاد و تربیت و بالاخره عصری مقتضی پرتوافشانی خورشید امامت از پس ابر است. آری امامان شیعه همگان هدفی مشترکی داشتند و نور واحدی بودند که همچون آفتاب عالمتاب در محدوده ضرورت زمان، متناسب با ظرفیت و استعداد محیط بر پنجره های الوان وجود نور افشانی و بلکه در راه وصول به آرمانهای الهی جانفشانی می کردند. این است راز آنکه در ذهن و زبان شیعیان حضرت علی (ع) به عنوان سبیل عدالت و شمشیر و حکومت، و حسن (ع) مظهر صبر و صلح، و حسین (ع) سیدالشهداء، و الگوی شجاعت و فداکاری، و امام سجاد (ع) زین العابدین نمونه مبارزه در سنگر نیایش، و امام باقر العلوم (ع) به شکافنده دانشها، و امام صادق (ع) به احیاگر تشیع، در حدی که فرقه نجاتبخش امامیه را جعفری می خوانند، شهرت یافته اند. این اشتهار به خصوصیت ویژه، بیانگر محیط خاص زندگی سیاسی - فرهنگی امام و روشنگر نقش ضرورتهای محیطی در ایفای مسئولیتهاست، زهی تأسف که برخی از کج اندیشان بدون توجه به عنصر

زمان و مکان و شرایط و مقتضیات محیط، رفتار حسین (ع) را تخطئه و امام حسن (ع) را عنصری سازشکار و امام حسین (ع) را عنصری شورشگر معرفی می کنند! در حالی که این دو برادر در دوره دهساله امامت ظاهری خود درست راه پیامبر و علی (ع) را در دو مقطع از دوران زندگی پیموده اند. مگر نه این بود که پیامبر (ص) در دوران ۱۳ ساله مکه راه صلح و سکوت، و پس از هجرت به مدینه راه جهاد با کفار را در پیش گرفت و نیز امام علی (ع) ۲۵ سال پس از رحلت پیامبر (ص) سکوت باشکوه، و در دوران خلافت پنجساله نبرد و جهاد با معاندان را پی گرفت. امام مجتبی (ع) نیز در شش ماه نخست دوران امامت پیروی از پدر و جدش شمشیر کشید و در سالهای دیگر راه صلح را پیمود حتی امام حسین (ع) در آغاز دوره امامت ۹ سال در برابر معاویه راه صبر و سکوت را پیمود و تنها در دوران ۶ ماهه خلافت یزید نبرد مسلحانه با سلاح خون و شمشیر را آغاز و نهضت مقدس عاشورا را در کربلا پدید آورد؛ زیرا امام حسین (ع) در آن روزگار سیاه برای احیای اسلام و سیره نبوی و علوی و احیای ارزشهای اسلامی بزرگترین سلاحی که در اختیار داشت خون و جان بود که بر فرق دشمن کوفت و از این جانبازی، حماسه جاوید و پیام جاودانه ای پدید آورد که خونهای همه آزادمنشی و آزادیها در گستره تاریخ شد: حسن اگر بنشست و حسین اگر برخاست بقای دین خدا شد از این قیام و قعود امام با انتخاب آگاهانه جهاد و

شهادت، احساس مسئولیت، علم و عصمت و اصابت نظر خود را به جهانیان اثبات کرد؛ زیرا شهادت حسین (ع) و یاران باوفای او مظلومیت و حقانیت اهل بیت (ع) را مسجل ساخت و در نتیجه آن مردم پس از مدتها کناره گیری از عترت پیامبر (ص) بار دیگر پس از واقعه عاشورا به خانه امام باقر (ع) و صادق (ع) رو آوردند و مکتب پویای تشیع یعنی اسلام ناب و دست نخورده را مجددا احیا کردند. با جانبازی امام و یاران او حرکت ارتجاعی جاهلی امویان خنثی و ارزشهای فراموش شده در جامعه اسلامی احیا گردید و به تعبیر شاعر معاصر، مرحوم دکتر قاسم رسا خراسانی: ای اشک ماتمت به رخ ملت آبروی از طفیل خون تو اسلام سرخرو اسلام زنده کردی خود گشته ای شهید برده است نام و یاد تو دین نبی جلوگر آب را به روی تو بستند کوفیان آوردی آب رفته اسلام را به جواز این رو می توان نتیجه گرفت در پیدایش و گسترش اسلام واقعی، رویدادهای بعثت و غدیر و عاشورا نقطه های عطف تاریخی مهمی به شمار می آیند؛ چه غدیر خم در واپسین حج پیامبر (ص) در سرزمین جحفه همانند نخستین روز نزول قرآن و بعثت پیامبر در جبل الرحمه خاستگاه بعثت امامت، در امتداد بعثت نبوت بود و فاجعه غم انگیز عاشورای محرم سال ۶۱ هجری نیز روز تجدید خاطره و احیای این دو و نهضت‌های آزادیبخش اسلامی در سرزمینهای اسلامی گردید و به بهانه خونخواهی و حمایت از عاشوراییان انقلابهای نجاتبخش آغاز شد و به برکت خونهای مقدس دودمان علی (ع) به ثمر رسید که آخرین آنها انقلاب اسلامی ایران بود.

آگاهی امام حسین از شهادت و استقبال از آن

هر فرد

منصف و آگاه با اندک تأملی در منابع روایی شیعه مانند کافی کلینی (ره) و کتب صدوق (ره) و ارشاد شیخ مفید (ره) و اعلام الوری طبرسی (ره) و بویژه بحارالانوار علامه مجلسی (ره) که در جلد ۴۴ این دوائرالمعارف شیعه ص ۲۶۶ - ۲۲۳ حدود ۷۰ حدیث آورده، می یابد که در آنها به مساله شهادت امام حسین (ع) و سابقه آن اشاره شده و اخبار شهادت امام (ع) در سرزمین کربلا به دست امت ناآگاه از آغاز آفرینش حضرت آدم تا خاتم بر سر زبانها بود. پیامبر اسلام نیز بارها فرموده بود که: «ان امتی ستقتل ابنی هذا» امتم این پسر را می کشند و اینگونه احادیث در آثار اهل سنت نظیر فصول المهمه ابن صباغ مالکی و تذکره الخواص سبطا بن الجوزی، نور الابصار شبلنجی و صواعق المحرقة ابن حجر نیز آمده است. افزون بر اینها علم غیبی امام از دیدگاه شیعه با احادیث متواتر اثبات شده است. ثقه الاسلام کلینی (ره) در کتاب شریف کافی ج ۱ ص ۲۵۸ بابی را تحت عنوان: «ان الائمة يعلمون متی یموتون» گشوده و نیز در ص ۳۳۹ در باب «مستسقی العلم من بیت آل محمد» روایاتی را درباره صحیفه موجود در نزد ائمه (ع) آورده که در آن سرگذشت آینده غمبار هر یک از خاندان پیامبر (ص) آمده است. بنابراین مسلم می نماید که امام حسین (ع) نه تنها از راه علم عادی اکتسابی بلکه از طریق علم غیب و لدنی به شهادت خود و حتی مکان شهادت نیز آگاهی داشته باشد. [۱۷]. با نگرش کوتاه به تاریخ عاشورا و برخورد و اظهارات حضرت سیدالشهدا (ع) از مدینه تا کربلا معلوم می شود نه

تنها خود آن حضرت به عاقبت کار، که رسیدن به فوز شهادت بود، یقین داشت، بلکه هواداران معمولی آنحضرت نیز این پیش بینی را می کردند که به عنوان نمونه برخی از سخنان آن امام همام در طول نهضت عاشورا یادآوری می شود: ۱- به هنگام خروج از مدینه به ام سلمه همسر پیامبر، که نگران آن حضرت در عراق بود، فرمود، یا اماه انا و الله اعلم ذالک و انی مقتول لا محاله. [۱۸] ای مادر، اینها که از جدم بازگو کردی به خدا می دانم ولی بناچار باید کشته شوم. ۲- در روز خروج از مدینه در نامه ای خطاب به جوانان بنی هاشم نوشت: بسم الله الرحمن الرحيم من الحسين بن علي الی بنی هاشم اما بعد فانه من لحق بی منکم فقد استشهد و من تخلف عنی لن يبلغ الفتح و السلام. [۱۹] هر کس از شما به من پیوندد و با من آید شهید خواهد شد و هر که به همراهم نیاید هرگز به پیروزی نمی رسد. ۳- به هنگام کوچ از مکه به سوی کوفه نیز در پاسخ کسانی که آن حضرت را از این سفر خطرناک منع و جلوگیری می کردند، فرمود: الحمد لله ما شاء الله و لا قوه الا بالله و صلی الله علی رسوله خط الموت علی ولد آدم مخط القلاده علی جید الفتاه و ما اولهنی الی اسلافی اشتیاق یعقوب الی یوسف. [۲۰]. سپاس ویژه خداست. هر چه خدا خواهد همان می شود و نیرویی جز به وسیله و کمک خدا نیست. درود خدا بر پیامبرش باد. مرگ برای فرزندان آدم (ع) با قلم تقدیر همانند گردنبندها زیبا بر گردن دختران جوان نقش بسته و چه بسیار

مشتاقم به دیدار گذشتگان خود اشتیاقی چون شوق یعقوب به دیدار یوسف عزیز. ۴- در ملاقات حر بن یزید ریاحی با امام در نزدیکی ذو حسم، که به آن حضرت هشدار داد، فرمود: أقبالموت تخوفنی! آیا مرا با مرگ می ترسانی! آنگاه به ابیات اویس، که پسر عموهایش او را از کشته شدن در رکاب پیامبر خدا بر حذر می داشتند، تمثل جست و افزود: سأمضی و ما بالموت عار علی الفتی اذا مانوی حقا و جاهد مسلماو واسی الرجال الصالحین بنفسه و فارق مشورا و خالف محرمان عشت لم اندم و ان مت لم الم کفی بک ذلا- آن تعیش و تزغما [۲۱]. من خواهم رفت که مرگ برای جوانمرد، وقتی نیتش حق باشد و در راه اسلام جهاد کند تنگ نیست. و در راه مردان صالح و شایسته جانبازی کند و از نابودشدگان جدا شود و به گنهکار پشت کند. پس اگر من زنده مانم پشیمان نیستم و اگر بمیرم سرزنش نمی شوم برای تو این خواری بس است که زنده مانی و زیون شوی. ۵- در بامداد روز دوم محرم وقتی وارد سرزمین کربلا شد به همراهانش فرمود: انزلوا هیهنا محط رحالنا و مسفک دماننا و هنا محل قبورنا. [۲۲] فرود آیند که اینجا ایستگاه شتران ما و جای ریختن خون ما و محل دفن ماست. ۶- وقتی عمر سعد، پیام عیدالله زیاد را، که کشته شدن امام در صورت امتناع از بیعت یزید بود، در سرزمین کربلا به آن حضرت رسانید، فرمود: لا أجیب ابن زیا دالی ذلک ایدا فهل هو الا الموت فمرحبا به. به درخواست ابن زیاد هرگز پاسخ مثبت نخواهم داد پس آیا جز مرگ چیز دیگری است پس

به مرگ خوشامد می گویم. [۲۳]. آری امام بر اساس مسئولیت الهی خود با انتخاب آگاهانه شهادت به نگهبانی قرآن و پاسداری اسلام و نجات مسلمانان همت گماشت و با استقبالی از مرگ در راه خدا به زندگی جاوید و فوز عظیم شهادت دست یافت و درس فداکاری در راه احیای دین و ارزشهای الهی را به همه پیوندگان راه حق و حقیقت آموخت و به جهانیان اعلام کرد: فانی لا اری الموت الا السعاده و لا الحیاه مع الظالمین الا برما. [۲۴]. من مرگ را در راه خدا جز سعادت و زندگی با این اوضاع اجتماعی و سیاسی رقت بار جز مایه دلتنگی نمی دانم و به بیان خوشدل، شاعر معاصر: بزرگ فلسفه قتل شاه دین این است که مرگ سرخ به از زندگی ننگین استنه ظلم کن به کسی نی به زیر ظلم برو که این مرام حسین است و منطق دین است

درسی که حسین به مسلمانان آموخت

چنانکه می دانیم دین و مقررات آسمانی برای اداره زندگی است و همه شرایع الهی از جمله اسلام بزرگ به دلیل تأمین و حفظ مصالح پنجگانه زندگی انسانها در دنیا و تأمین خوشبختی انسان در دو جهان آمده اند که به اعتقاد حقوقدانان برجسته اسلامی به ترتیب اهمیت و ارزش عبارتند از: دین و عقیده، نفس و جان، مال و دارایی، نسب و ناموس و عقل خرد. [۲۵]. فلسفه اصلی همه دستورهای فقهی اعم از عبادات، معاملات و احکام و سیاست و تضمین مصالح و منافع مربوط به این نیازهای زندگی مسلمانان، و هر فرد وظیفه شناس مکلف است حداکثر توش و توان خود را برای حفظ و نگهداری هر یک از این مقاصد پنجگانه

به کار گیرد و در صورت مزاحمت هر کدام از اینها با یکدیگر به حکم قاعده فقهی «اهم و مهم» باید مهم را فدای مهمتر کرد. از اینرو باید گفت جهاد و شهادت در راه آرمانهای مقدس و دفاع از کیان و حیثیت دین بر همه مسلمانان واجب است؛ تا چه رسد به امام زمان که وظیفه اصلی او تبیین دین و پاسداری آن از گزند دشمنان دین است. چه اینکه در قرآن کریم بیش از صد آیه در تحریض مؤمنان به جهاد و شهادت شده و در هیچ آیه مشروط و مقید به علم به پیروزی نشده است. پیامبر اکرم (ص) نیز در نبردهای نابرابر به جهاد فی سبیل الله و استقبال از شهادت پرداخت. هر چند نهی لا تلقوا در آیه وانفقوا فس سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه (بقره ۱۵۹) مطلق است و حرمت آن شامل خودکشی با سم خوردن و مانند آن می شود اما با توجه به شان نزول آیه و قبل و بعد آن، منظور آن هلاکت اخروی در ترک انفاق مال و جهاد با جان در راه دین است، و به اصطلاح کشته شدن در راه دین خدا موضوعاً از حکم القای نفس در تهلکه بیرون است و به تعبیر خود قرآن احدی الحسنین (پیروزی یا شهادت) و بلکه حیات جاودانه است: و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون (آل عمران ۱۶۹). بنابراین روشن شد که شهادت حضرت امام حسین (ع) که پس از حمزه سیدالشهدا این لقب را سالار شهیدان از زبان پیامبر (ص) به خود اختصاص داد قطعاً از مصداقهای القای

نفس در تهلكه نیست، بلکه سعادت جاودانی و فضیلت دائمی و حیات ابدی است و به گفته مولوی: آنکه مردن پیش چشمش تهلك است نهی لا- تلقوا بگيرد او به دستامام (ع) به عنوان الكو و اسوه امت، شرافت دین را بر احترام جان و مال و عیال خویش مقدم داشت و برای بقای اسلام از زندگی موقت خود دست شست و به همگان آموخت که باید همه چیز خود را فدای دین خدا کرد، نه دین را فدای همه؛ که ارزش دین در زندگی انسان از هر کس و هر چیز بیشتر است. گذشت از سر فرزند و مال و جان و عیالش چو دید می نتواند گذشت از سر دینشبه همین دلیل بود که امام (ع) در آخرین لحظات عمر در حالی که بر بدن مطهرش اثر ۳۴ زخم شمشیر و ۳۳ زخم تیر و ۱۲۰ اثر طعن نیزه نمودار و شمر ملعون با خنجر برهنه روی سینه حضرتش نشسته بود به گفته او «فابتسم الامام» یعنی امام کفو و هم‌آورد کریمی بود که بر مرگ لبخند رضایت زد. [۲۶]. آری در حین شهادت لبخند می زند به این دلیل که تا چند لحظه دیگر به ملاقات پروردگار نائل می شود و رضایت او را جلب می کند و با نصار خون پاکش پایه های حکومت ستمگران را می لرزاند و با جوشش خون او، که خون خدا بود، درخت تناور اسلام برای همیشه تاریخ بارورتر می شود و اسلام را زنده و عظمت و شوکت آن را تجدید می کند و سرانجام خرسند است به این دلیل که به وظیفه الهی خود در راه دفاع از دین جدش عمل کرده و درس

دینداری و فداکاری در راه دین خدا را به همه مسلمانان آموخته است و به تعبیر شاعر معاصر پارسی گوی: شمع می خندد و شوق رخ جانان دارد اشکها بین که از این خنده به دامان دارد شمع از اشک و گل از ناله شود زیباتر خنده با دیده ی تر، جلوه دو چندان دارد این چه رازی است خدایا که حسین بن علی لب پر خنده ولی دیده ی گریان دارد با این نیایش حسین (ع) این مقاله را حسن ختام می بخشم که می فرمود: اللهم انی احمدک ان اکرمتنا بالانبوه و علمتنا القران و فقهتنا فی الدین و جعلت لنا اسماعا و ابصارا و افئده فاجعلنا من الشاکرین. و به بیان مرحوم ابوالقاسم حالت: تسبیح تو گویم که مرا جان دادی پیغمبر و دین دادی و قرآن دادی ما را ز پی شکر زبان نیز بده آنگونه که چشم و گوش و ایمان دادی [۲۷].

پاورقی

[۱] قرآن مجید. سوره انبیا آیه ی ۷۳.

[۲] به کتابهای روایتی شیعه نظیر کافی و کتب شیخ صدوق و ارشاد مفید و مخصوصا بحارالانوار علامه مجلسی (ره) ج ۴۴ طبع جدید ص ۲۶۶-۲۲۳ مراجعه کنید.

[۳] امام خمینی، قیام عاشورا در پیام و کلام امام، تهران موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ۱۳۷۳ ص ۹۵ و ۸۳.

[۴] شهید مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، قم، انتشارات صدرا ۱۳۶۸ ط ۱۰ ص ۵۸ از دلائل الصدق ص ۶ و ۱۳.

[۵] ماخذ پیش نقل از مسند احمد بن حنبل ص ۹۶ کنز العمال ج ۱۰۳ خیر ۴۶۳ - ۴۶۳ و از طریق شیعه به بحارالانوار ج ۲۳ باب ۴ و اصول کافی ج ۱ باب من مات و لیس له امام...

[۶] کلینی، محمد بن یعقوب،، الاصول من الکافی، بیروت، دارالتعارف ۱۴۰۱ ق ط ۴ ج ۱ ص ۳۷۵.

[۷] شریف رازی، محمد، چرا شیعه شدم تهران انتشارات فراهانی ص ۱۴۲.

[۸] الحدیث، گفتار حکیمانه تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ص ۴۷.

[۹] کلینی، محمد بن یعقوب. الاصول من الکافی بیروت، دارالتعارف ۱۴۰۱ ق ط ۴ ج ۱ ص ۴۳۰.]

[۱۰] صبحی صالح، نهج البلاغه امام علی (ع)، قم دارالهجره، حکمت ۱۴۷ ص ۱۹۷.

[۱۱] جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹ ج ۱ ص ۳۲۱.

[۱۲] شیخ صدوق، محمد بن بابویه عیون اخبار الرضا، تهران آخوندی ۱۳۷۴ ج ۱ باب ۲۰ حدیث نخست. تحف ۵۱۵.

[۱۳] تفسیر نمونه، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۶ ج ۴ ص ۲۶۷.

[۱۴] راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن ماده ۱ م ص ۴۴۱.

[۱۵] شهید مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، قم، انتشارات صدرا ۱۳۶۸ ط ۱۰ ص ۱۲۰.

[۱۶] عیون الاخبار الرضا (ع) ص ۱۲۳ - ۱۲۰. امالی شیخ صدوق ص ۴۰۲ - ۳۹۹. اکمال الدین صدوق ص ۳۸۳ - ۳۸۰. تحف

العقول ابن شعبه حرانی ص ۵۱۹ - ۵۱۳.

[۱۷] ر. ک. به علم امام و نهضت سیدالشهداء. به قلم علامه طباطبایی (ره) و کتاب شهید آگاه تالیف لطف الله صافی و منابع دیگر.

[۱۸] علامه مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار بیروت، افست ط ۱۳۷۴ آخوندی ۴۴ و اثبات الوصیه مسعودی ص ۱۲۶.

[۱۹] مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت افست آخوندی ج ۴۴ ص ۳۳۰ و کامل الزیارات محمد بن قولویه طبع نجف

۱۳۵۶ ق ص ۷۵ و لهوف سید بن طاووس ص ۲۵.

[۲۰] مشیرالاحزان ابن نماص ۲۱ و لهوف ابن طاووس ص ۳۵.

[۲۱] شیخ مفید، محمد. الارشاد الی معرفه حجج الله علی

العباد، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران علمیه اسلامیة ج ۲ ص ۸۲.

[۲۲] بلازدی، انساب الاشراف، بیروت ۱۳۹۷ ق ج ۳ ص ۱۷۱. و نجفی، محمد جواد، ستارگان درخشان تهران، اسلامیة ج ۵ ص ۱۰۹.

[۲۳] جعفریان، رسول حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی ج ۱ ص ۱۲۳ نقل از اخبار الطوال دینوری ص ۲۵۴.

[۲۴] ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول، قم ۱۳۹۴ ق ص ۱۷۴. مشیرالاحزان ابن نماص ۲۲ لهوف سید بن طاووس ص ۶۹.

[۲۵] فاضل سیوری، مقداد بن عبدالله، نضد القواعد الفقیهیه علی مذهب الامامیه، قم، مکتبه النجفی ۱۴۰۴ ق ص ۷ و ۶۲ و ابو حامد محمد غزالی المستصفی من علم الاصول، ج ۱، ص ۳۸۴.

[۲۶] امالی شیخ صدوق مجلس ۳۱ ج ۱، مروج الذهب مسعودی ج ۳ ص ۱۱ و قمقام الزخار ص ۴۶۵.

[۲۷] حالت، ابوالقاسم، کلمات قصار حسین، تهران، کتابخانه بهجت ط ۲ ص ۵۱.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

